

امام خمینی و مبانی حمایت از فلسطین

غاصبانه بودن و توسعه طلبی رژیم صهیونیستیسرزمین فلسطین، در ساحل شرقی دریای مدیترانه و مجاور کشورهای مصر، سوریه، اردن و لبنان، دارای بیست و پنج هزار کیلومتر مربع و برخوردار از آب و هوایی معتدل و حاصلخیز است .

این سرزمین کنعان نام دارد و نام حضرت یعقوب اسرائیل است که در زبان عربی به معنای عبدالله و بنده خداست . او که در پی جریان فرزندش یوسف به مصر عزیمت کرد، فرزندان او که در آن سرزمین عده زیادی شده بودند، پس چهار صد و سی سال در حدود سیزده قرن پیش از میلاد، به رهبری حضرت موسی علیه السلام به سوی فلسطین به حرکت آمدند . در این بین حوادث زیادی رخ داد که به جهت نافرمانی بنی اسرائیل این سفر چهل سال به طول انجامید و آنان در این مدت در بیابان در سرگردانی به سر می بردند . پس از حضرت موسی، یوشع بن نون جانشین آن حضرت قوم خود را برای فتح فلسطین حرکت داد . مردم فلسطین با آنان به نبرد برخاستند و مغلوبشان کردند ولی پس از جنگهای فراوان بنی اسرائیل موفق شدند به اورشلیم (بیت المقدس) راه یابند و حضرت داوود توانست بیت المقدس یا معبد الهی را در آن جا بنا کند که این بنا توسط حضرت سلیمان تکمیل شد . بیت المقدس حدود ۱۱۰۰ سال پس از بنای کعبه به دست حضرت ابراهیم و نهصد و هفتاد سال پیش از میلاد حضرت مسیح ساخته شده است .

پس از آن سرزمین فلسطین در طی قرون متمادی مورد هجوم واقع شد ابتدا حدود هفتصد و سی سال پیش از میلاد شلمنصر به آن سرزمین تاخت و اسرائیلیان را اسیر و آواره کرد و سپس در پانصد و

هشتادوشش سال قبل از میلاد در زمان بخت النصر مورد حمله آشوریان قرار گرفت و ساکنان آن را پراکنده و یا اسیر بابل کردند و معبد سلیمان را ویران ساختند.  
پس از ظهور کورش پادشاه هخامنشی و تسخیر بابل به دست او، قوم یهود آزاد شدند و به اورشلیم بازگردانده شدند و دوباره معبد سلیمان بازسازی شد.

حدود سال ۳۲۳ پیش از میلاد حمله اسکندر مقدونی به بسیاری از کشورهای از جمله فلسطین واقع شد و از سال ۶۳ قبل از میلاد رومیان به مناطقی حمله بردند که سرزمین فلسطین یکی از آنها بود، آنان در این تهاجم خود، دوازده هزار یهودی را کشتند.

پس از میلاد مسیح و حدود پیش از سیصد سال بعد از میلاد، کنستانتین امپراتور روم، دین مسیح را پذیرفت و آن را رسمی اعلام کرد و چون بیت اللحم را زادگاه و مدفن آن حضرت می دانستند، دوباره اورشلیم مورد توجه خاصی شد و کلیساهای بسیاری ساخته شد و قرنهای بعد از آن انگشت شمار یهودی در بیت المقدس زندگی می کردند.

در زمان خسرو دوم پادشاه ساسانی، از سال ۶۰۴ تا ۶۳۰ میلادی جنگ بین امپراتور ایران و روم واقع شد که در این نبرد سپاهیان روم از سوی ایرانیان شکست خوردند و در جریان آن اورشلیم (فلسطین) فتح شد و ولی پس از مرگ خسرو پرویز، دوباره این سرزمین به دست مسیحیان افتاد.  
پس از ظهور اسلام در زمان خلیفه دوم سپاه مسلمانان سوریه و فلسطین را گشودند و از آن سال (۱۵ هجری) فلسطین در دست مسلمانان بود و ساکنان عمده آن را مسلمانان عرب تشکیل می دادند و طبق معاهده صلح، مسیحیان در اعمال مذهبی خود آزاد بودند.

از سال ۱۰۹۵ میلادی (۴۸۸ هجری قمری) با تهاجم اروپائیان علیه مسلمانان جنگهای صلیبی آغاز شد و تا حدود دو قرن ادامه یافت. این نبردها که تعداد آن در طول این مدت به هفت جنگ رسید نقطه اصلی و مرکزی آن، سرزمین فلسطین و به مقصود تصرف آن به وقوع می پیوست.

عثمان غازی با جنگهای طولانی و فتوحات خود با مغولان و یونانیان سلسله عثمانی را پایه گذاری کرد و پس از درگذشت او در (۷۲۷ هق) مطابق با (۱۳۲۶ م) جانشینان او به حکومت رسیدند تا نوبت به سلطان محمد فاتح رسید و او در سال ۱۴۵۳ میلادی شهر قسطنطنیه را که مهمترین مرکز اقتدار صلیبی ها و پایتخت روم شرقی بود فتح کرد و صلیبیها را تا پشت دروازه های اروپا تعقیب کرد.

با پیدایش سلسله صفویه در ایران و رسمی شدن مذهب شیعه در این کشور با دسیسه های دولتهای اروپایی بویژه انگلیس متجاوزان دو قرن بین ایرانیان و عثمانیان جنگ و خونریزی حاکم بود.

در اواخر قرن نوزدهم، شورشهایی در فلسطین علیه دولت مرکزی عثمانی برپا شد و انگلستان که تا آن زمان طرفدار عثمانی بود ناگهان تغییر روش داد و به جهت حفظ منافع خود در هندوستان و دست یابی به کانال سوئز که دست عثمانی بود، از شورشیان حمایت کرد و عربها را به شورش برضد ترکهای

عثمانی تحریک می کرد و رفته رفته مناطق مختلف امپراطوری عثمانی بر اثر شورشهای داخلی وضعف دولت مرکزی روبه تجزیه می رفت و هر نقطه ای مورد طمع یکی از کشورهای روسیه، فرانسه و بریتانیا قرار گرفت و فلسطین به طور غیر رسمی مستعمره انگلستان شد.

در همین زمان گروهی از یهودیان اندیشه ملت واحد یهود را مطرح ساخته و برای تشکیل کشوری مستقل به اقدام برخاستند. این عده تحت حمایتهای جدی انگلستان و با گرفتن کمکهای مالی از

یهودیان ثروتمند، برای پیشبرد مقاصد خود حزبی تشکیل دادند و نام صهیون را که نام کوهی در فلسطین است بر خود نهادند.

اواخر قرن نوزدهم ناسیونالیستهای یهودی برای مهاجرت و اسکان یهودیان به فلسطین، اقداماتی انجام دادند، ولی این حرکتها با توجه به آگاهی عده ای از روحانیان یهود از اهداف سیاسی آن و مخالفت با آنان با این اقدامها به شکست انجامید، ولی مجدداً در اوایل قرن بیستم با حمایت انگلستان دوباره این اندیشه در بین آنها مطرح شد و چون بیت المقدس تا پیش از جنگ جهانی اول رسماً در دست عثمانیها بود صهیونیستها در جریان این جنگ از آمریکا و انگلیس خواستند تا آنان موافقت کنند، در صورت شکست عثمانی متحد آلمان، فلسطین تبدیل به کشور یهود گردد، کوشش

یهودیان نتیجه بخش بود و توانستند نظر  $\langle$ لرد بالفور $\rangle$  وزیر خارجه وقت انگلیس را جلب کنند و نظر مساعد در حال آمریکایی را نیز به دست آوردند و بالاخره در سال ۱۲۹۶ (نوامبر ۱۹۱۷) اعلامیه بالفور در مورد تصویب طرح تاسیس  $\langle$ کانون یهود $\rangle$  در سرزمین فلسطین، در کابینه انگلیس منتشر شد، در اواخر جنگ قسمتی از فلسطین توسط صهیونیستها اشغال شد و رفته رفته خرید مزارع اعراب و تبدیل آن به مناطق یهودی که از پیش شروع شده بود، شدت یافت، در ۱۵ اردیبهشت

۱۲۹۹ (۲۵ آوریل ۱۹۲۰) متفقین و جامعه ملل قیومت فلسطین را رسماً به دولت انگلیس و انهداند و آن را موظف کردند تا در راستای اجرای طرح بالفور کمک کند، در این زمان فقط پنجاه هزار یهودی در فلسطین بودند ولی به وسیله حکومت جدید که از سوی انگلستان به یک یهودی واگذار شده بود، باب مهاجرت یهودیان از نقاط دیگر جهان به این سرزمین باز شد و جمعیت آنان افزایش یافت که شورش و مخالفت اعراب را در پی داشت، در پی این اقدامات اعراب فلسطینی و مسیحیان دست به

دست هم دادند و در برابر دشمن مشترک همداستان شدند و در تابستان ۱۳۰۸ (۱۹۲۹) در جریان برخورد خونینی که بین اعراب فلسطینی و صهیونیستهای مهاجر در گرفت، حدود ۳۵۱ تن از فلسطینیان شهید و وعده ای مجروح یادستگیر و وعده ای به حبس مادام العمر و اعدام، محکوم شدند. مهاجرت بی رویه یهودیان و مخالفتها و شورشها از سوی اعراب مسلمان و مسیحیان همچنان با شدت و ضعف خود ادامه داشت و با این که در ابتدا دولت انگلیس اعلام می کرد که با این اقدامات قصد تشکیل کشوری یهود را ندارد، ولی پس از این که دولت انگلیس به قیومت خود برای سرزمین در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ (۱۴ مه ۱۹۴۸) پایان داد، در همان زمان شورای ملی یهود در تل آویو تشکیل شد و موجودیت دولت اسرائیل را اعلام کرد. و طبق هماهنگیهای قبلی، پس از چند ساعت، ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا دولت جدید اسرائیل را به رسمیت شناخت و انگلیسیها نیز در وقت خروج تجهیزات خود را در اختیار آنان قرار دادند. و از آن پس صهیونیستها تحت حمایت آمریکا و انگلیس به تصرف شهرها و روستاهای فلسطینیان و بیرون راندن آنان از خانه ها و کاشانه های خود کردند و وقتی با مقاومت مردم مظلوم و فقیر و برومی شدند دست به کشتارهای فجیع و عمومی می زدند که واقعه دیر یاسین و کفر قاسم نمونه هائی از آن است. در این زمان ارتشهای عرب برای دفاع از فلسطین وارد عمل شدند، ولی صهیونیستها با حمایت اروپا و آمریکا و ارسال هواپیما و تجهیزات فراوان از سوی آنها، به مقابله با اعراب پرداختند و در جریان این نبرد بیش از یک میلیون فلسطینی عرب آواره شدند. (۱) غرض از بیان مختصر این شمه از تاریخ طولانی و غمبار فلسطین این است که معلوم شود وقتی گفته می شود رژیم صهیونیستی غاصب است به چه معناست و نیز عمق فاجعه انسانی واقع شده در آن سرزمین به دست این رژیم و حامیان آمریکایی و اروپایی آن باری دیگر بازخوانی

شود، که به چه مجوزی در عصر طلایه داری تمدن و حقوق بشر، مردمی بی گناه و مظلوم پس از قرونها و قرنهای سگونت در سرزمینی، از وطن خود با حمایت مدعیان حقوق بشر، اخراج و با وحشیگری و قتل و غارت و بیگانگانی به جای آنها اسکان داده می شوند و رژیم بر پایه زور و ستم در آن جابر قرار می شود! و آیا همین کافی نیست تا ما بر به رسمیت نشناختن آن اصرار ورزیم و آنهایی را که در صدد ایجاد رابطه با آن رژیم غاصبندخائن به ملت اسلامی قلمداد کنیم امام خمینی در بیانات خود در جمع گروه فلسطینی و اسقف کاپوچی در تاریخ ۱۳/۱/۵۸ فرمودند: <۰۰۰> من از سالهای بسیار طولانی شاید بیست سال قبل، نسبت به فلسطین و نسبت به اسرائیل نظرهای خود را تکرار کرده ام و حالا هم می گویم، ما اسرائیل را محکوم می کنیم، اسرائیل غاصب و در محلی که آمده است به طور غصب آمده است و قدس باید نجات پیدا کند و اسرائیل را براند، دول عربی هم با هم اجتماع کنند و اسرائیل را از سرزمینهای خودشان براند و دست مستعمرین را کوتاه کنند <۰۰۰> (۲)

ممکن است این پرسش مطرح شود که یهودیان پیش از مسلمانان در آن سرزمین بوده اند و تاریخ ورود آنان به آن سرزمین قبل از سکونت مسلمانان در آن جاست، بر این اساس چه گونه می توان تشکیل رژیم اسرائیل توسط یهود در آن سرزمین به کلی غاصبانه دانست در حالی که اولاً: مطابق آن چه در این گزارش تاریخی دیدیم سرزمین فلسطین در اصل خود وطن یهودیان نبوده است و آنان با جنگ و نبردهای طولانی به آن سرزمین پانهادند و پس از آن نیز بارها از آن بیرون رانده شده و حتی چند قرن حضور یهودیان در آن بسیار ناچیز و انگشت شمار بوده و این سرزمین در اختیار مسیحیان قرار داشته است .

وثانیا: قرن‌هاست که پس از ورود مسلمانان به آن سرزمین در سال پانزدهم هجری و خارج شدن آن از حاکمیت مسیحیان و با وجود جنگ‌های صلیبی، این سرزمین موطن مسلمانان و محل زندگی و در حاکمیت آنان بوده است، و به همان دلیل که یهودیان نخستین که با ورود باقهر و غلبه خود با وجود حضور پرفراز و نشیب و گاهی بسیار کم‌رنگ خود، برای خویش نسبت به آن سرزمین حق وطن قائل اند، مسلمانان نیز حق دارند فلسطین را که برای قرن‌های متمادی در آن جا سکونت گزیده اند و در طی این قرون، اکثریت بالایی از ساکنان آن را همینان تشکیل می‌داده اند، و وطن خویش بدانند، و کسانی را که بازور سرنیزه آنان را از دیار خود بیرون و آواره کرده اند غاصب به شمار آورد.

وثالثا: عمده این است که اگر هم یهود حقی نسبت به آن سرزمین داشته باشد، این حق تنها منجر به کسانی است که از پیش در آن سرزمین و در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند و نسل اندر نسل در آن به سر برده اند، که در این صورت باید همراه با سایر ساکنان آنجا از مسلمانان و مسیحیان اقدام به تشکیل دولت کنند، ولی صهیونیست‌ها و یهودیان مهاجری که از نقاط مختلف دنیا، از وطن‌ها و دیار اصلی خود به آن سرزمین آورده شده اند چه حقی نسبت به آن دارند به نظرمی رسد برای مقابله و دست پا کردن پاسخی برای همین پرسش اساسی بوده است که استکبار جهانی و صهیونیست‌ها را واداشت تا وحدت ملی و نژادی قوم یهود را مطرح کنند، تا با این سخن گمراه کننده و مسخره آمیز وانمود کنند که هر کس در هر نقطه دنیا یهود است و آئین حضرت موسی را به عنوان دین خود برگزیده است از نژاد بنی اسرائیل است و فلسطین سرزمین باستانی اوست، و گویا هاشدار حضرت امام در ۱۸/۱/۴۳ ناظر به همین سخن باشد که گفته اند: <۰۰۰> من از کلمه <الکفرمله واحده> که از سازمان‌ها به دست و دهان‌ها افتاده متأسفم

و این کلمه برخلاف نص کلام اله و برای پشتیبانی از اسرائیل و عمل اسرائیل است و مقدمه شناسایی اسرائیل است و برای پشتیبانی از عمل اسرائیل و فرقه ضاله منحرفه است ممکن است پرسش دیگری مطرح شود و آن این که تاریخ گذشته نشان می دهد که جغرافیای سیاسی کشورها همواره تغییرات گوناگونی به خود دیده است، کشوری توسعه می یافته و کشوری قسمتی از خاک خود را از دست می داده است و در حاکمیت و اختیار کشوری دیگر قرار می گرفته است و هم اکنون این مرزبندی ها شناخته شده و رسمی است و ادعای غصبی بودن در این محدوده ها پذیرفته نیست و کشورها نیز چنین ادعایی را نسبت به هم ندارند، با این وجود، فرضاً تشکیل کشور اسرائیل با تجاوز و ستم و غاصبانه بوده است ولی هم اکنون که دهها سال از آن زمان می گذرد و این کشور جای پای خود را محکم کرده و اکثر کشورهای جهان آن را به رسمیت شناخته اند چرا بازم آن را در این زمان غاصب بدانیم ولی اگر به درستی دقت شود فرقی بین این دو مقوله وجود دارد، در مورد تغییرات جغرافیای سیاسی کشورها بر اثر جنگ و امثال آن، آن چه رخ می داده است، تغییر مرزها و حدود کشورها بوده است که قسمتی از خاک یک کشور به کشور دیگر ملحق می شده است و از حاکمیتی به حاکمیت دیگری انتقال می یافته است بی آن که ساکنان آن سرزمین را از خانه و وطن خود آواره و اخراج کنند، و فرضاً چنین کاری پذیرفته باشد و با صرف نظر از حق حاکمیت هر ملتی بر سر نوشت خود، این کار را نمی توان غصب یک سرزمین نامید و آن رژیم غالب را غاصب معرفی کرد، در حالی که وضعیت رژیم صهیونیستی این گونه نیست، بلکه قضیه در مورد این رژیم این است که همچنان که در گزارش تاریخی دیدیم، صهیونیستها مردم بی پناه و مظلوم فلسطین را با خونریزی و کشتار آنان، از سرزمینشان بیرون



راندند و صد هাজার نفر را در بیابانها و کشورهای اطراف آواره ساختند و خود بر ویرانه های خانه و کاشانه آنها کشتور منحوس اسرائیل را پایبند به ریزی کردند.

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در همان سالهای آغاز نهضت خود در ضمن بیانات خود می گویند: >من به دول اسلامی می گویم که آقا چرا سرنفت دعوامی کنید فلسطین مغضوب است، یهود صهیونیستها را بیرون کنید از فلسطین ای بی عرضه ها! ۰۰۰ این اعراب بیچاره را که بیرون ریختند و الان یک میلیون یا بیشترشان گرسنه و بیچاره خوابیده اند در بیابانها، بسی بیچاره و آواره شده اند، آیا دول اسلام نباید در این معنا اعتراضی بکنند حرفی بزنند بایک همچین دولتی که یک میلیون مسلمان یا بیشتر را بیرون ریخته و آواره کرده شما ائتلاف می کنید! توسعه طلبی رژیم اشغالگر در همین راستا موضوع دیگری مطرح است که در دیدگاه حضرت امام بسیار دارای اهمیت است و در موارد بسیاری به آن هشدار جدی داده اند و آن یادآوری و بیان هدف غایی اسرائیل که همان توسعه طلبی و بسط دامنه تجاوزات این رژیم به سایر کشورها و سرزمینهای اسلامی و عربی است که در حقیقت این خود مبنای مستقلی برای حضرت امام رضوان اله علیه در مخالفت و دشمنی خود با این رژیم به شمار می رود، سر و دبا اصطلاح ملی اسرائیل گویای این است: >حدودک یا اسرائیل من الفرات ابی النیل <مرزهای توای کشور اسرائیل از فرات تا نیل است، و لذالزوم مخالفت و مقابله با اسرائیل نه تنها مبنای انسانی و دینی دارد، بلکه منافع ملی و قومی هر یک از کشورهای اسلامی نیز همین اقتضار دارد و حتی فکر حکومت جهانی یهود اندیشه ای است که بسیاری از یهودیان را به خود مشغول داشته و در رویای آن به سر برده می برند امام خمینی در تاریخ ۵۱/۸/۹ می گویند: >۰۰۰ همه باید بدانند که هدف دولتهای بزرگ از ایجاد اسرائیل، تنها با اشغال

فلسطین پایان نمی پذیرد، آنها در این نقشه اند که <پناه بر خدا> تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند و باز در تاریخ ۱۲/۶/۶۲ می گویند: <۰۰۰ مکرر این مساله ذکر شده است که اسرائیل قناعت نمی کند به آن جایی که هست، قدم قدم پیش می رود و هر قدمی که پیش می رفت هی می گوید ما کاری نداریم، ماهمین هست، فردا قدم بالاتری برمی دارد، امروز لبنان است، فردا خدای نخواسته سوریه، پس فردا عراق و همین طور ۰۰۰> (۶)

و باز در پیام خود به حجاج در ۷/۶/۶۳ می نویسند: <۰۰۰ من کرارا تذکر داده ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می داند و شمارا غاصب سرزمینهای خویش می شمرد، گرچه جرئت اظهار صریح آن را ندارد و نیز در پیام خود در ۱۵/۲/۶۲ می نویسند: <۰۰۰ کرارا گفته ام و شنیده اید، اسرائیل به این قراردادها کتفانمی کند و حکومت اعراب را از نیل تا فرات غصبی می داند و دیر یاز و دبا کمک آمریکا به نقشه شوم خود، اگر خدای نخواسته فرصت پیدا کند و حکومتهای عربی از خواب گران بیدار نشوند، جامه عمل می پوشد، آیا برای مسلمانان و حکومتهای کشورهای اسلامی ننگ نیست که آمریکا از آن طرف دنیا بر مقدراتشان حکومت کند و به دست اسرائیل کافر غاصب همه را به دام اندازد و بیهوده خاک سبزه بکشد؟>

و بالاخره در تاریخ ۱۶/۸/۵۲، در پیام خود به دولتهای اسلامی می نویسند: <۰۰۰ سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته اند، تنها برای سرکوب ملت عرب نمی باشد، بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاور میانه است، نقشه استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر کشورهای سرزمینهای زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی می باشد و فقط با فداکاری، پایداری و اتحاد دولتهای اسلامی می توان

از شرابین کابوس سیاه استعمارررهایبی یافت جنایات و تجاوزات اسرائیل و حوادث فلسطینی بویژه در طی سالهای اخیر و قیام انتفاضه مردم و جوانان شهادت طلب فلسطینی شاهی گویا بر صدق کلام حضرت امام است که تنها عاملی که مانع پیشرویهای اسرائیل در سایر مناطق مورد نظر او شده است همین مقاومتها و از خود گذشتگیهای مردم مظلوم و مسلمان است و راز شکست بسیاری از مذاکرات صلح برخی سران خائن عرب با مقامات رژیم توسعه طلب صهیونیستی و آمریکایی بر سر مساله فلسطین، در همین امر است که اساسا اسرائیل در صدد صلح نیست و این موضوع برای او جز در حد یک وسیله و تاکتیک هیچ ارزشی ندارد، بلکه او در پی توسعه طلبی و گسترش دامنه تجاوزات و الحاق تدریجی سایر مناطق مورد نظر خود به سرزمین اسرائیل است و برای وصول به چنین هدفی ثانیه شماری می کند، با این وصف انتظار توفیق در مذاکرات صلح با چنین رژیمی، توقعی ابلهانه است.

و نهایت این که نمی توان مردم مظلوم و آواره فلسطین را در قیام عمومی و انتفاضه خود سرزنش کرد، زیرا: <اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر الذین اخرجوا من دیارهم بغیر حق الا ان یقولوا ربنا الله و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یدکریها اسم اله کثیرا و لینیصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز > که مومنانی که دیگران با آنها کارزار می کنند اجازه <جنگ > داده شد زیرا از دشمن ستم دیدند و خداوند بر یاری آنان نیرومند است، همان ها که به ناحق از خانه ها و سرزمین خود بیرون رانده شدند و جز این که می گفتند پروردگار ما خداوندیگانه است (جرمی نداشتند) و اگر خداوند شر بعضی را به وسیله برخی دیگر دفع نکند به یقین صومعه ها و دیرها و کنشها و مساجدی که نام خدا در آن زیاد برده می شود، خراب

وویران می شود و هر کس خدایاری کند یقینا خداوند نیز او را یاری

خواهد کرد و تحقیقا خداوند قوت مند و مقتدر است .